

شمه ای از مزایای غزلهای مخفی

به قلم دکتر صغیر احمد

استادیار بخش عربی و فارسی

دانشگاه کلکته، کولکاتا.

sagir_cu69@yahoo.in

زیب النساء متخلص به مخفی، دختر ارشد اورنگ زیب عالمگیر که در سال هجری قمری در دودمان شاهی از بطن دلرس بانو بیگم، دختر شاهنواز خان صفوی به معرض وجود آمد، می توان او را از غزلسرایان ردیف اول فارسی هند قرار داد. پدرش برای تحصیلات او معلم و اساتید برجسته روزگار را انتخاب کرد. او آموزشهای مقدماتی را نزد حافظه مریم که زنی پاکباز و گرامی دربار عالمگیر بود، فراگرفت و در هفت هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت 1. سپس علوم و فنون متداول روزگار را پیش معلم مختلف آموخت و بالاخره از ملا سعید اشرف مازندرانی که مردی متدین و محترم بود و در فقه و علوم اسلامی کم نظیر بود، کسب فضایل کرد و در زبان و ادبیات عربی و فارسی و در خوشنویسی نیز مهارت پیدا کرد و در اصلاح شعر و نثر خود از فاضل مذکور کمک می گرفت 2. زیب النساء هیچوقت ازدواج نکرد و تمام عمر مجرد ماند. انتظام الله الشهابی، از سوانح نگاران زیب النساء، مدعی است که زیب النساء هم به موجب طبیعت مردانه که او در خود داشت و هم از این رو که او نمی خواست کمی بر او حاکم شود، ازدواج نکرد 3 ولی به عقیده ام این امر با حقایق سروکاری ندارد چنانکه سید محسن سعید زاده که او مقاله هایی مربوط به زیب النساء به عنوان "زیب النساء چهره مخفی ادب پارسی" در مجله پیام زن به چاپ رسانید، چنین می نویسد:

"...میلی باطنی به ازدواج در او همانند دیگر دختران وجود داشت،

چنانکه در یکی از غزلهای خود به این حقیقت اشاره کرده است:

صد بهار آرخشد و هر گل به فرق جا گرفت	غنچه باغ دل ما زب دستاری نشد
کار ما آرخشد و آخر ما کاری نشد	مشک خاک ما غبار کوچه یاری نشد
هر که آمد در جهان بودش خریداری ولی	پیر شد زیب النساء او را خریداری نشد" 4

به هر حال این بانوی هنرمند و اندیشمند بزرگ هند شاید بنا به گفته بعضی، "... از فرط مناعت، قبول زوج ننموده است" و یا شاید "... کسی را همشأن و کفو خود نمی دید و در این صورت، ازدواج او با مشکل شرعی رو به رو می شد" 5 و بدین ترتیب زیب النساء در سن 65 سالگی یعنی در سال 1113 هجری قمری در حال تجرد برای همیشه از دنیای فانی چشم فرو بست.

زیب النساء بانوی بسیار با کمال و قدردان عالمان و فاضلان بوده که نظیرش نه فقط در هند بلکه در سراسر جهان فارسی به مشکل می توان پیدا کرد. او در هر دو نظم و نثر طبع آزمود اما شهرت او بیشتر به جهت غزل است. تذکره نویسان و پژوهشگران، جُنگ، زیب المنشآت و مرقع را به عنوان آثار او شناخته اند و برای تفصیلات می توان به کتابها و مقاله ها که مربوط به زیب النساء نوشته شده است، رجوع کرد. از آثار او یکی دیوان غزل است موسوم به دیوان مخفی. این دیوان بارها به چاپ رسیده است. صرفنظر از تفصیلات احوال و آثار او که در کتابهای تاریخ و تذکره ثبت است و در واقع بسیار بحث انگیز است، توجه خودم را به سوی موضوع اصلی این مقاله معطوف می کنم.

غزلهای مخفی که در اوزان خوشاهنگ و خوشایند سروده شده است، بنا به گفته بعضی، بیشتر تحت تأثیر حافظ قرار گرفته است. دکتر محمد امیر مشهدی، مقاله ای به عنوان "تأثیر پذیری زیب النساء «مخفی» از حافظ" در مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (پاییز و زمستان، 1386)، به چاپ رسانده است. فاضل مذکور در مقاله خود غزلهای هر دو شاعر (حافظ و مخفی) را مقابل یکدیگر قرار داده است و همچنین بعضی اشعار مخفی که از لحاظ موضوع با اشعار حافظ یکسانیت دارد، به میان آورده است.

سیماب اکبر آبادی که زندگی نامه زیب النساء را به قلم آورده است، یک قدم پیشتر رفته مخفی را با غزلسرایان ردیف اول فارسی مانند حافظ شیرازی، صایب تبریزی و غنی کشمیری مقایسه کرده است ولی باید اذعان شود که بنا به گفته محمد علی فروغی، "تقلید هایی که گویندگان دیگر از شیخ کرده اند به حساب و شمار نمی آید و حاجت به تفصیل ندارد که هر کس به فارسی نثر نیکو نگاشته و غزل شیوا سروده پس از سده هفتم هجری دانسته یا ندانسته شاگرد شیخ سعدی است" 6 اگر اقتباس بالا را در نظر گرفته غزلهای مخفی را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم می یابیم که مخفی نیز، مانند غزلسرایان دیگر، تحت تأثیر سعدی قرار گرفته است و چندین غزل خود را به اوزان و قوافی سعدی سروده است. اینجا برای نمونه دو غزل مخفی که در هر سه مورد وزن و قافیه و ردیف با غزلی سعدی برابراند، مقابل یکدیگر قرار می دهیم. ملاحظه فرمایید:

سعدی

با شب و روز به جز فکر تو ام کاری هست 7

مشتو ای دوست که غیر از تو مر ایاری هست

مخفی

که اسپران چمن را سرگفتاری هست 8

در چمن باز نگر نرگس بیماری هست

مخفی

هر کجا اهل نیاز است ستمگاری هست 9

هر کجا شیوه ناز است طلبگاری هست

در غزل دیگری که مخفی به ظنّ غالب این غزل سعدی را در نظر داشته است، که به مطلع زیر آغاز می شود. ملاحظه کنید:

سعدی

دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است هر که ما را این نصیحت می کند بی حاصل است 10

مخفی

بی گل روی تو یک دم زنده بودن مشکل است پیش از ای شوخ ستمگرب کشودن مشکل است 11

غزل مذکور مخفی به همان وزن سعدی سروده شده است ولی از لحاظ قافیه و ردیف یکسان نیست. مخفی اولین قافیه و ردیف سعدی را با هم به عنوان ردیف غزل خود ساخته است. اما با وجود این تفاوت غزل مخفی یاد آور غزل سعدی است. کسی که در هند در نوع غزل طبع آزمایی کند و از امیر خسرو و امیر حسن سجزی اثری نپذیرد، شاید ممکن نیست. آنها توسط غزلهای خود که در واقع نماینده مضامین لطیف و معانی باریک است، نه فقط غزلسرایان هند را بلکه غزلسرایان ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار داده اند. غزلهای مخفی نیز زیر نفوذ آنها قرار گرفته است که با ملاحظه اشعار می توان تخمین زد. غزلی از خسرو که زبان زد خاص و عام است، به مطلع زیر آغاز می شود:

کافر عشقم مسلمانی مرا در کار نیست هر که من تارگشته حاجت ز نثار نیست

در جواب، مخفی سه تا غزل دارد که به مطلعهای زیر آغاز می شوند:

بت پرستانیم با اسلام ما را کار نیست غیر تار زلف ما را رشته ز نثار نیست

مرغ دل را گلشنی بهتر ز کوی یار نیست طالب دیدار را ذوق گل و گلزار نیست

ناوک بیداد چندین غمزه را در کار نیست کودکی کز یک نگاه خشمگین افکار نیست 12

و همچنین امیر حسن سجزی که سرمشق بسیاری از غزلسرایان فارسی بوده است، انعکاس او را می توان به صراحت در غزلهای مخفی یافت. او از غزلهای امیر حسن به همان وزن و قافیه و ردیف چنین استقبال می کند. ملاحظه کنید: 17

حسن

ای دوست ترا بر سر و قدم گذری نیست از حال دل بی خیرانت خبری نیست 13

مخفی

من بو الهوس عشقم و با من هنری نیست کم گشته این راهم و از من خبری نیست 14

حسن

دوش از دم من باد صبا را که خبر کرد وز ناله من مرغ هوا را که خبر کرد 15

مخفی

از درد دلم مرغ هوا را که خبر کرد وز باغ دلم باد صبا را که خبر کرد 16

دیوان مخفی با حمد باری تعالی و نعت رسول صلی الله علیه و سلم شروع می شود و نعت را به همان وزن و قافیه قصیده عتیة خاقانی که به مطلع زیر آغاز می شود، می سراید. ملاحظه فرمایید:

خاقانی

اقبال کرم می گزد ارباب همم را همت نخورد نیشتر لا و نعم را

مخفی

تا دین جهانگیر تو افراخت علم را بگرفت اقالیم عرب را و عجم را¹⁷

ناگفته نماند که مخفی در غزلهای خود از استادان برجسته غزل فارسی استفاده کرده است ولی نباید گمان کرد که استفاده او از آنها محدود به پیروی محض است بلکه او موضوع آنها را می گیرد و به آن چیزی می افزاید و آن را به گونه دیگری ادا می کند. او در غزلهای خود و اقعاً موضوع آنها را توسعه داده است و صحنه ادبیات غنایی را گسترده است و اگرچه غزل فارسی در سیر تکامل خود قبلاً به حدی اعتلای خود رسیده بود مع هذا جدت طبع مخفی، به آن، چیزهایی افزود که غزل فارسی قبلاً سابقه نداشت. مثلاً سخنهایی مربوط به گل و بلبل در غزل فارسی چیز نویی نیست. در سنن ادبی بلبل به منزله عاشق و گل به منزله معشوق واقع شده اند. مربوط به گل و بلبل و ناله و زاری بلبل و همچنین چاک زدن گریبان توسط گل، هزارها شعر در غزل فارسی به پیرایه های مختلف وجود دارد. سعدی شیرازی که غزل عاشقانه را به اوج رسانیده است در یک غزل چنین می گوید:

ای بلبل اگر نالی من با تو هم آوازم تو عشق گلی داری من عشق گل اندامی

حافظ شیرازی نیز گل و بلبل را بارها موضوع غزل خود ساخته است. در مطلع یک غزل می گوید:

بنال بلبل اگر با منت سر یاریست که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست

اینک ملاحظه فرمایید مخفی موضوع مذکور را چطور به رشته شعر کشیده است:

فغان بلبل شوریده در چمن مخفی ز روی درد و الم صبح از فغان من است¹⁸

علامه شبلی نعمانی در ضمن مقایسه بین شعر مذکور از سعدی و حافظ، شعر حافظ را به مراتب بهتر و بالاتر جلوه داده است و علت آن بنابه عبارت او:

"شیخ علت همدردی را یک گونه اشتراک در معشوق قرار داده است

لیکن این جنبه از نزاکت و غیرت دور است و لذا خواجه علت

مواسات و همدردی را فقط اشتراک در عشق قرار می دهد که هیچ

مربوط به اشتراک در معشوق نیست، به علاوه خود را پیرو بلبل

نکرد بلکه بلبل را تابع خود قرار داده است¹⁹

ولی به عقیده ام در موارد سعدی، در معاملات عشق اکثراً چنین اتفاق می افتد که یکی به جهت درد عشق و غم فراق معشوق می خواهد ناله بکند اما از این امر نیز بیمناک می

شود مبادا اشک که به اصطلاح افشا کننده راز است، مردم را از حقیقت امر آگاه بکند، نهی نالد. اما اگر بلبل که همانند آن یکی است، ناله بکند او می تواند هم آواز او باشد و در این صورت خاطرش شاید کمی جمع باشد و با هیچ گونه مشکل مواجه نشود و در موارد حافظ، عشق و مشک که به اصطلاح پنهان نهی ماند، عاشق صادق را وادار می کند تا به درد عشق و غم مجرد دوست ناله وزاری بکند. اینجا عاشق بیعی دردش ندارد و لذا اگر او ناله کند بر بلبل که همانند او است، لازم است به خاطر تسلیت او ناله سردهد. این است فرق بین میان شعر سعدی و حافظ و علت برتری شعر حافظ از سعدی به این دلیل است که حافظ این شعر را حدوداً صد سال پس از سعدی سروده است و شعر سعدی حتماً پیش نظر او بوده است.

باری برمی گردم به شعر مخفی. اینجا او نه مثل سعدی است که بیعی درد دل دارد که مجبور است تابع کسی بشود و نه مثل حافظ است که کمی را وادار کند تا پیرو او باشد. اینجا ناله وزاری او باعث ناله وزاری بلبل شده است و اینجا همدردی بلبل با عاشق به همین دلیل است که اکنون بنای دوستی همدیگر خیلی مستحکم و استوار شده است و واقعه این است که غزل فارسی به مراحل گوناگون گذشته تاکنون یعنی تا عهد زیب النساء کم و بیش راه سیصد ساله را دیگر طی کرده است.

فهرست مراجع:

1. سوا نح زیب النساء بیگم، ابو الفخر سیماب صدیقی اکبر آبادی، ابوالعلائی اسنیم پریس، آگره، 1922 م، ص 6
2. سوا ح زیب النساء بیگم، شمس العلما مولانا شبلی نعمانی، انجمن اردو پریس، اورنگ آباد، 1943 م، ص
3. سوانح عمری زیب النساء بیگم، انتظام الله الشهابی، ذاکتر رام بابو سکسینه کلکشن، مولانا آزاد لائبریری، مسلم یونیورسٹی، علی گڑھ، ص 35
4. مجله پیام زن، دی 1371، شماره 10 (قسمت اول)
5. همان.
6. مقدمه کلیات سعدی، محمد علی فروغی، انتشارات نگاه، تهران، 1373، ص 18.
7. کلیات سعدی، محمد علی فروغی، انتشارات زوار، تهران، 1382، ص 429.
8. دیوان مخفی، به اهتمام لاله درگا داس، امرت پریس لاهور، ص 32.
9. همان، ص 34.
10. کلیات سعدی، محمد علی فروغی، انتشارات زوار، تهران، 1382، ص 429.
11. دیوان مخفی، به اهتمام لاله درگا داس، امرت پریس لاهور، ص 16.
12. همان، ص 26، 17، 14.
13. دیوان حسن سجزی دهلوی، به اهتمام مسعود علی محوی، حیدرآباد دکن، 1352، ص 67.

14. دیوان مخفی، به اهتمام لاله درگا داس، امرت پریس لاهور، ص 32.
15. دیوان حسن سجزی دهلوی، به اهتمام مسعود علی محوی، حیدرآباد دکن، 1352، ص 120.
16. دیوان مخفی، به اهتمام لاله درگا داس، امرت پریس لاهور، ص 46.
17. همان، ص 2.
18. همان، ص 21.
19. شعرالعجم (جلد سوم)، شبلی نعمانی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران، 1368 ص 209.